

خرداد سال ۱۳۹۳ گروه تروریستی داعش از مرزهای سوریه به عراق حمله و موصل، مرکز استان نینوا را اشغال کرد. دفتر سیاسی حزب دموکرات کردستان ایران با انتشار بیانیه‌ای بدون اشاره به هجوم داعش به استان‌های عراق فقط اظهار امیدواری کرد «با تدبیر حکومت اقلیم دامنه این شرایط دشوار به اقلیم کردستان سرایت نکند». مدت کوتاهی بعد داعش رو به سوی بغداد آورد ولی با مقاومتی که صورت گرفت، ناگزیر به عقب‌نشینی شد و سپس بخش‌هایی از مناطق کردنشین زومار و سنجار را به تصرف درآورد. در فاصله بین حمله داعش به موصل و اقلیم کردستان، مسعود بارزانی، رئیس اقلیم، «بیامی برای واشنگتن فرستاد، مبنی بر اینکه کردها دیگر از لحاظ سیاسی و ملی تعهدی نسبت به قانون اساسی سال ۲۰۰۸ عراق نخواهند داشت». اظهارات و رفتار مسعود بارزانی و اعلامیه دفتر سیاسی حزب دموکرات کردستان ایران، درستی سخنان نوری مالکی، نخست‌وزیر پیشین عراق را تأیید می‌کند.او در مصاحبه با العالم گفته بود: «سقوط موصل توطئه‌ای بود که یکی از جنبه‌های آن، برگزاری تحصن در موصل و انبار بود. این توطئه توسط بعضی‌ها و نقشبندیه و افراد موسوم به انقلابیون عشایر و شوری نظامی طراحی شده بود و داعش همدست آنها در این توطئه بود. همه آنها در ترکیه گرد هم آمده بودند و یک اتاق عملیاتی نیز در اربیل داشتند و من هنگامی که گتمت چنین افرادی اتاق عملیاتی در اربیل تشکیل دادانه، رئیس منطقه کردستان عراق گفت این افراد ستم‌پدیده هستند و وی به آنها پناه داده است، در حالی که چنین افرادی در اربیل جمع می‌شدند و توطئه می‌چیدند… توطئه سقوط موصل به این نحو بود که به نیروهای کرد، لشکرها و پلیس دستور داده شد عقب‌نشینی کنند و متن این دستور هم‌اکنون موجود است و کردها نیز عقب‌نشینی کردند و اصلاً نجنجیدند، زیرا می‌گفتند داعش برای جنگیدن با مالکی آمده است نه جنگیدن با کردها».

مالکی افزود: «مسعود بارزانی گفته است من را از احتمال حمله داعش به موصل مطلع کرده بود ولی گفته بارزانی سرویس گناشتن روی دستور عقب‌نشینی از موصل و نجنجیدن با داعش و توجیه عقب‌نشینی و خبیات فرماندهان کرد است، زیرا بارزانی هیچگاه با من تماس نگرفت، چون من هیچ ارتباط و تماسی با وی ندارم و روابط ما با همدیگر قطع است و من هنگامی که ادعا می‌تماس بارزانی با خودم را رد کردم، بارزانی گفت با سفیر آمریکا و سیدعمار حکیم تماس گرفته است و مساله این است که نه سفیر آمریکا و نه سیدعمار حکیم با من تماس نگرفتند».

مالکی ادامه داد: «من از مسعود بارزانی خواستم نیروهایش را به نیروهای ارتش عراق برای

حمله به داعش ملحق کند و از معاون وزیر کشور

خواستم با وزیر امور پیشمرگها تماس بگیرد و وزیر گفت باید موافقت بارزانی را کسب کند و الان شب است و فردا صبح جواب می‌دهد ولی صبح گفت نمی تواند نیروهایش را به ارتش ملحق کند، زیرا منطقه کردستان مشکلاتی با دولت مرکزی دارد که باید حل شود، لذا بارزانی هیچ خبری به من امالکی ا درباره احتمال حمله داعش به موصل نداد و حاضر به همکاری با ارتش نیز نشد. ما از بارزانی خواستیم با ما همکاری کند ولی مخالفت کرد.» نزدیک به ۳ ماه پس از حمله داعش به مناطق کردنشین، «پارلمان اقلیم کردستان روز چهارشنبه ۳۰ مهرماه، پیشنهاده مسعود بارزانی، رئیس اقلیم کردستان مبنی بر اعزام نیرو برای تقویت مدافعان کوبانی در نبرد با گروه داعش را



زمینه‌های تجزیه‌طلبی در شمال عراق

بذرهایی که اروپا پاشید!

- محمود نادری

تصویب کرد. این تصمیم مهم پس از آن گرفته شد که دولت ترکیه با اعزام نیروهای اقلیم کردستان از خاک خود به سوی کوبانی موافقت کرد» و حزب دموکرات نیز در نهمین پلنوم خود از این همکاری ترکیه قدرانی کرد.

دقیقا یک سال پس از موافقت دولت ترکیه با عبور افراد نظامی اقلیم کردستان به سوریه جهت مبارزه با داعش در کوبانی، روسیه فاش کرد «دولت ترکیه در خرید نفت از داعش و قاچاق آن به اسرائیل همکاری گسترده‌ای با آن گروه تروریستی دارد». دیوید کوهن، معاون وزیر خزانه‌داری آمریکا در امور اطلاعات مالی و مبارزه با تروریسم هم در سخنرانی خود در مؤسسه کارنگی پای حکومت اقلیم را به این ماجرا کشاند و گفت: «لالائی از اقلیم کردستان و ترکیه از داعش نفت می‌خرند». جان کسری، وزیر وقت خارجه آمریکا نیز اذعان کرد: «داعش از طریق برخی کشورهای

انگلیس، محرک تجزیه‌طلبی

روز ۱۳ مهر ۱۳۰۰ روزنامه «ستاره ایران» نوشت: «گزارش‌ها حاکی از آن است که سرگرد نونیل انگلیسی با پرواز بر فراز کردستان، اوراقی را در میان مردم این منطقه پخش کرده است که نوشته‌های آن، این مردم را به شورش علیه دولت مرکزی تشویق کرده و ایشان را به جدایی از ایران و تشکیل دولت کردستان مستقل تحریک می‌کند.آنها(انگلیسی‌ها) با حمایت از سردار رشید در کردستان و امیراعظم کلهر، ایشان را به ایجاد آشوب و اختلال تشویق می‌کنند». این نکته از آنجا اهمیت ویژه‌ای می‌یابد که بدانیم پیش از آن «سروان نونیل موظف بود با رؤسای قبایل در جنوب ایران ملاقات کرده و آنها را به شورش تشویق کند». بنابراین نمی‌توان از نقش دولت‌های بزرگ بویژه در دوره‌ای انگلستان و سپس شوروی در رونق بخشیدن به ناسیونالیسم کرد چشم پوشید. هر دوی آن کشورها ناسیونالیسم را دستمایه‌ای کردند برای اعمال سیاست‌های خود. هنگامی که ارگان‌های امنیتی شوروی طرح‌هایی برای عملیات جدایی‌طلبانه درکردستان تهیه کرده بودند، «اندره اسمیرنوف» سفیر اتحاد جماهیر شوروی، با آن مخالفت کرد و معتقد بود: «در ایران مساله جدایی خواهی کردها پیوسته بازیچه سیاست‌های کشورهای خارجی بوده است. ما باید از ورود به این بازی بپرهیزیم. این بدان معنا نیست که از کردها قطع علاقه کنیم واز آنها در پیشبرد منافع خودمان استفاده نکنیم.» ناسیونالیسم کرد را باید محصول دورانی خاص

■ ■ ■

فتنه اکبر در راه است!؟

سیاست خارجی و هم سیاست داخلی ما را به میدان مبارزه فرامی‌خواند و این بار با پدیده‌ای مواجه هستیم که یک فتنه چند بعدی است، بسا ابعاد بین‌المللی و ابعاد کاملاً داخلی. این بار با پدیده‌ای روبه‌رو هستیم که نه هزار کیلومتر- کمتر یا بیشتر- آن طرف‌تر از مرزها رخ داده



باشد، بلکه چه بخواهیم و چه نخواهیم در درون کشورمان رخ داده است. شب رفتاندم اقلیم، سسنندج به دست عده‌ای شلوغ می‌شود و در ماه محرم به شادی و پایکوبی می‌پردازند! داستان جدایی اقلیم کردستان عراق هم موضوعی داخلی است و هم خارجی؛ این پدیده را بگذارید کنار پای لنگ برجام به اضافه دادگدایی‌ها و بی‌تدبیری‌ها و از آن طرف غیرقابل کنترل بودن دیگر بازیگران این پدیده، یعنی عراق و بویژه ترکیه؛ آیا می‌شود

آن کشورها را طلیعه استقلال اقلیم کردستان می‌دانست اما او می‌دانست که تعبیری برای این خواب آشفته نیست. مصطفی هجری اولین شرط اعلام استقلال کردستان عراق را هماهنگی تمام احزاب سیاسی کردستان می‌دانست اما او همچنان می‌دانست میان اتحادیه میهنی و پارت دموکرات در رابطه با استقلال کردستان اختلاف‌نظر وجود دارد. گذشته از آن، وی از عمق اختلافات میان سازمان‌های سیاسی کرد که کنگره ملی را به تعطیلی کشانده بود اطلاع داشت و آن را ناشی از «روحیه خودبزرگ‌بینی و سلطه‌طلبی در میان نیروها و جریانات کردی» می‌دانست. با اختلافات و روحیه خودبزرگ‌بینی و سلطه‌طلبی سازمان‌های سیاسی کرد، اولین شرط مصطفی هجری عملاً محقق نمی‌شد و اعلام استقلال اقلیم خودبه‌خود ممنوع بود. مصطفی هجری برای متقاعد کردن کشورهای غربی، ترکیه و حتی بارزانی به ضرورت استقلال کردستان از عراق، آن را به سود اسرائیل دانست و گفت: «دولت کردی مستقل در کردستان عراق، دولتی دموکراتیک خواهد بود و به پیشبرد فرآیند دموکراتیک در خاورمیانه که به سود اسرائیل نیز هست، کمک خواهد کرد».

تأسیس دولت مستقل کرد «که به سود اسرائیل نیز هست» زمانی بیشتر معنا می‌یابد که بدانیم بیش از ۷۵ درصد نفت اسرائیل از اقلیم کردستان تأمین می‌شود. بنا به نوشته روزنامه اقتصادی فایننشال تایمز انگلیس، رژیم اسرائیل «در فاصله اول مه تا ۱۱ آگوست ۲۰۱۵] نزدیک ۱۹ میلیون بشکه نفت از کردها خریداری کرده است». خالد عزیز، دبیر کل «حزب دموکرات کردستان» نیز اظهار داشت: «کشورهای همجوار باید به استقلال کردستان به عنوان یک فرصت بنگرند، نه به عنوان یک تهدید».

پیش از مصطفی هجری افراد دیگری بوده‌اند که جدایی کردستان عراق از بیکره آن کشور را به نفع اسرائیل دانسته یا حتی از آن به عنوان ظهور اسرائیل دوم یاد کرده‌اند. در سال‌های دهه ۱۳۳۰ و در روزهایی که جنگ بین بارزانی‌ها و دولت عراق متوقف شده بود و سخن از مصالحه بود، «احمد توفیق» از رهبران کرد ایرانی به همراه «میرقاسمی»، «عبدالله معینی» و «سیدحسین عموزاده» به بغداد سفر کرد. احمد توفیق برای جلب حمایت دولت مصر به سفارت آن کشور در بغداد رفت. وی خود را به سفیر آن کشور «رهبر حزب دموکرات کردستان ایران» معرفی کرد. سفیر مصر با دقت به سخنان توفیق گوش داد و او را به ارائه هرگونه کمکی دلگرم کرد اما هنگامی که توفیق اظهار کرد مشاور ملامصطفی بارزانی هم است، سفیر مصر برآشفّت و گفت: «شما از یک طرف خود را رهبر حزب دموکرات کردستان ایران و از طرف دیگر مشاور ملامصطفی معرفی می‌کنید، هسان ملامصطفی که می‌خواهد امت عربی را تجزیه کرده و در قلب عراق، اسرائیل دوم به وجود آورد؟» با اقدام سفیر مصر، احمد توفیق بازداشت شد و ۱۵ روز در زندان به سر برد. در این زمان «عبدالسلام عارف» که یکی از هواداران برجست «جمال عبدالناصر» رئیس‌جمهور وقت مصر به‌شمار می‌رفت در عراق در مسند قدرت بود، بنابراین سفیر مصر در عراق دارای چنان نفوذی بود که بتواند موجبات بازداشت احمد توفیق را فراهم کند… در حقیقت مسوج تجزیه‌طلبی در منطقه کردستان عراق، پدیده‌ای است که بعضی احزاب کردی در شمال عراق گام‌های ناموفقی را در سایه حملات داعش برای جامه عمل پوشاندن به آن برداشته‌اند.

منبع: **موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی**

پیچیده‌تر و سخت‌تر از داعش و امثالهم است. سیاست عراق نسبت به این پدیده چگونه خواهد بود؟ آیا سیاست عملگرایانه مشخصی روی میز عراقی‌ها وجود دارد؟ آیا همه طرف‌های عراقی نسبت به چگونگی مواجهه با اقلیم، تفاهم و اشتراک نظر دارند؟ تا اینجا چنین چیزی دیده نمی‌شود! حیدالشعبی، جریان صدر، جریان حکیم، جریانات سنی، جریانات سکولار، جریانات علمایی، جریانات نجف و… اینها چه موضعی دارند؟ ظاهراً هیچ چیزی مشخص نیست! ایران نمی‌تواند نیایید منتظر عراق یا ترکیه باشد، زیرا این پدیده موضوعی داخلی برای امنیت و سیاست ایران به حساب می‌آید، اگر چه همگرایی و وحدت سیاست در این پدیده بسیار مهم است اما اگر عراقی‌ها یا ترکیه از مواضع خود پا پس کشیدند یا نتوانستند اعمال کنند، آن وقت چه؟ به نظر نگارنده، همزمانی پدیده اقلیم و تاثیراتش بعد از فتنه تکفیری‌ها، جمع و عصاره‌ای است بین تمام سیاست‌هایی که جبهه استکبار برای منطقه کشیده است و این یعنی فتنه اکبر در راه است و بیچ تاریخی بزرگ ایرانیان و گردنه سرنوشت‌ساز از راه رسیده است، با معادله‌ای چندمجهولی که هر کس ساز خودش را می‌زند، این پدیده نه با راهبیمایی بصیرت‌افزا و نه با مدافعان حرم حل نمی‌شود. هر کدام از این راهکارها برای معادله خودش بجا بود و بهترین‌ها اما این فتنه راه‌حلی دیگر و ذوالعیاد می‌خواهد. نمی‌توانم تکراری خود را از نحوه رفتار و سیاست‌های دولت و گرفتاری‌های اقتصادی و یاران بی‌وفا و سیاست‌باز در این راند سوم و سرنوشت‌ساز اظهار نکنم.

رمزگشایی از یک پیام روزنه

مرتضی سویلمی، رهبر حکیم انقلاب در مراسم دانش اموخنگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش، ۳ جمله کلیدی بیان فرمودند:

- مهم‌ترین مسأله کشور، معیشت مردم است

- وقتی همه‌چیز بر محور نفت می‌چرخد، اقتصاد ناامن است.

- قدرت دفاعی کشور به هیچ‌وجه قابل مذاکره نیست.

می‌توان برای رمزگشایی، پیام هشدار گونه علمدار اقتدار جهان اسلام در باب امنیت اقتصادی را از این زاویه تحلیل کرد که آمریکا در برجام به‌زعم خود به دنبال اتخاذ سیاست نفت در برابر غذا در درازمدت علیه ایران است، به این معنی که کاخ سفید تلاش می‌کند ایران را تحریم مضاعف کند. یعنی از طرفی آمریکا به ایران امکان می‌دهد در غالب توافق هسته‌ای نفت خود را به میزان ۲ میلیون بشکه به بازار عرضه کند اما برای هزینه‌کرد آن، ما را با محدودیت‌هایی مواجه می‌کند.

ایشان با بیان اینکه بنای اقتصاد کشور باید بر یک بنیاد امن نهاده شود، فرمودند: «مشکل ما، مشکل تاریخی ما، مشکل بازمانده ما از دوران‌های طاغوتی، وابستگی اقتصاد ما به نفت است؛ این موجب شده ما در زمینه مسائل اقتصادی، دغدغه امنیت را در همه دوران‌ها زیاد داشته باشیم؛ قیمت نفت کم شد، زیاد شد، فروش نفت ممنوع شد، رف‌وآمد نفت مشکل شد، فلان مشتری نفت پول ما را نداد، وقتی همه چیز بر محور نفت در اقتصاد می‌چرخد، اقتصاد ناامن است؛ اقتصاد هم باید امن بشود»

این اصطلاح‌سازی را می‌توان ترجمانی دیگر از مفهوم اقتصاد مقلومتی دانست. با این تفاهوت که جنبه هشدار آمیز «اقتصاد امن» فراتر از مفهوم «اقتصاد مقاوم» است. اقتصادی که امن نباشد، ممکن است حتی موجب سرایت ناامنی به دیگر بخش‌های کشور شود. اقتصاد نفتی ناامن، موجب تمرکزگرایی، فساد و رانت می‌شود و مهیای فشار بیرونی است و اگر فکری عاجل و اساسی برای امن‌سازی اقتصاد از خطر تزلزل نفتی نباشد، اقتصاد ناامن ممکن است به جامعه ناامن و کشور نامن منتهی شود. پس لازم است نه فقط با نگاهی اقتصادی، بلکه حتی با دغدغه‌ای سیاسی-امنیتی به موضوع وابستگی اقتصاد ایران به نفت نگاه کنیم.

رکن بعدی بیانات امام خانه‌های در باب قدرت دفاعی کشور است در جهان امروز موفقیت هر نظام در گرو امنیت و اقتدار ملی است که حاصل قدرت‌های اقتصادی، نظامی، فرهنگی، سیاسی، علمی و فناوری مشروع است.

یکی از ابزارهای قدرت در هر کشور و نظامی، قدرت و اقتدار نظامی و تسلیحاتی است. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از آغاز کار تا به امروز، به دنبال مردمداری و خدمت‌رسانی و حفظ تمامیت ارضی کشور به واسطه افزایش توان نظامی با تکیه بر دانش و فناوری بومی و تربیت دانشمندان بزرگی همچون سردار سرلشکر شهید «حسن طهرانی‌مقدم» که نقش مهمی در افزایش توانمندی موشکی جمهوری اسلامی ایران ایفا کرد و نخستین جرقه‌های قدرت موشکی دوران دفاع‌مقدس به دست این دانشمند فرهیخته زده شد، بوده است.

«جان‌مک‌کین»‌سنا‌تورارشد جمهوری‌خواه چهارشنبه گذشته به دولت آمریکا توصیه کرد هرچه سریع‌تر راهبردی مشخص برای مقابله با نفوذ ایران در منطقه تدوین کند.

در مسائل بعدی از جمله موضوعات موشکی و نفوذ منطقه‌ای ایران، دشمن می‌خواهد کشور را خلع سلاح و سپس از ریشه نابود کند.

***کارشناس ارشد روابط بین‌الملل**

